

تفاوت آغاز و پایان کلام خدا با کلام بشری

... این بود تاریخ کوتاهی پیرامون عوامل و انگیزه‌هایی که مرا از دیرگاه در
آستانه " شعر جاهلی " متوقف ساخت ..
سپس میان دانشمندان علم بلاغت " شیوه " ای را کشف نموده و بیان داشتم
حائلی بوجود آمد ...

... و حال آنکه بر آنها و ما ضروری و لازم نمود که در رابطه با پژوهش و کنکاش
پیرامون " اعجاز قرآن " طریق و شیوه ای را برگزینم ، تحقیق و پژوهشی که صحیح و سالم
و پیراسته‌ی از آفات باشد .

آری ، این بود تاریخ فشرده و بسیار مختصری فرادید کسانی که در عصر جدید
میخواهند از آن پیروی نمایند . . . در عصری که " شعر جاهلی " چونان بازیچه‌ای دردست
هر کس که به هر حال زبانی دارد و با آن سخن میگوید ، قرار گرفته و سایه ای از ظلمت و
اندوه و تاسف بر تحقیقات محققان جدید دانشگاهی و غیر دانشگاهی افکند ، آنگاه که
فی المثل یکی از این پژوهشگران شعر مزبور را مورد بررسی خویش قرار می دهد ، شعری
که به هنگام رسالت پیامبر و فرورستاندن پروردگار قرآن را بر نبی خویش بر آن بیان ، نوری
بود که تاریکیهای جاهلیت توسط آن روشن می گردید و اهل جاهلیت چونان اعتکاف
بت پرستان برای بت در برابر " بیان آن " معتکف گشته و در مقابل آیات آن خاشعانه
سجده نموده که هیچگاه در برابر بت های خویش اینچنین خاضعانه پیشانی به زمین

نمی‌ساییدند، در حقیقت آنها قبل از آنکه پرستشگر بت باشند، بیان راعبادت و پرستش می‌نمودند؟

ما در تاریخ جاهلیت شنیده ایم که احیانا بعضی از افراد بت‌ها را استخفاف نموده و کوچک شمرده‌اند، اما هیچگاه نشنیده ایم که احدی از اهل جاهلیت نسبت به "بیان" خویش کوچکترین جسارتی را روا داشته باشد؟!

و حال مقتضی و سزاوار است تا تو خواننده گرامی جمع بندی آنچه را که من در پی آن بوده و به منظور اثبات آن دلیل و حجت اقامه نموده و کوشش خویش را در مسیر کشف "راهها و شیوه‌ها و سکهای" آن بکار گرفته‌ام، بدانی.

جان سخن و مطلب من مربوط به "ویژگیهای بیان در قرآن کریم" و "خصائص بیان بشری" با همه اختلاف و گوناگونی زبانها، می‌باشد و اینکه مبداء و مخرج آن به جز مخرج و مبداء این است... و نیز:

"شعر جاهلی" ماده اصلی و عنصر نخستین پژوهشهای اولین بوده، زیرا قرآن به زبان عرب نازل گردیده، و کسانی که قرآن برایشان فرو فرستاده شده و سپس مورد "تحدی" قرار گرفته و از آوردن بمانند قرآن عاجز و ناتوان مانده‌اند، اهل و اصحاب این شعرند و مفتون آن و مجذوب در برابر بیان آن!!

و این بیان بایی است غیر از بایی که "باقلانی" آنرا گشوده است و پیشوای بلاغت یعنی "عبدالقاهر حرحانی" (متوفی سنه ۴۷۴) در دو کتاب خود "دلائل الاعجاز اسرار البلاغه" آنرا بی‌گرفته... و سپس ابداعات و ابتکارات دانشمندان آن را گسترده و زیادیهها و نقصانهائی بر آن وارد گشته است... همگی این کوششها و دقالباب این باب پس از بسته شدن بایی است که ما آنرا مورد بیان و تفصیل قرار دادیم و به عقیده ما شایسته بود "باقلانی و عبدالقاهر" آن در را زده... و آن باب را می‌گشودند! و اگر روزی ما بتوانیم با توفیقات الهی این "دعوت و رسالت" را برای اهل زبان عربی به اتمام و اكمال رسانیم، پیروزی روشن و "فتح مبین" و بزرگی را نه تنها در تاریخ بلاغت عربی که در تاریخ بلاغت انسانیت بدست آورده و نیز "عقل جدید" را که در شناخت و معرفت "اعجاز قرآن" همواره پویای رضایت و اطمینان و اقیاع می‌باشد، راضی و قانع نموده ایم...

و تنها این از آثار مثبت تکمیل شیوه ما نخواهد بود که منهج و روش مسا در زمینه اتمام و اكمال، وسیله ای را در دست حق پرستان از اهل اسلام قرار می‌دهد که همانند آنرا نخواهند یافت، وسیله ای که گشودن دشوار باب دعوت بسوی قرآن را سهل

خواهد نمود، دعوت مردم به سوی کتاب خداوند، کتابی که نزول آن به زبان عرب اختصاص یافته و آنرا بهمین لسان "ذکر"^۱ همه‌ی عالمیان قرار داده، و در عین حال همین کتاب را "هدایت"^۲ برای همهٔ بشر، عرب و عجم گردانیده است.

با عنایت به آنچه که در مسیر این "شبهه و راه" بر شمردیم، در شکلی بارز و روشن "فتنه ترجمه قرآن" نیز از ریشه راه بطلان را می‌پیماید زیرا بشری که نتواند با "زبان ولغت" خویش که نثر و شعر آنرا ابداع و خلق نموده، بیانی چنان بیان قرآن آورد و نفس تلاوت و برخواندن آیات آن دلیل بر آنست که قرآن بیانی است مفارق و مختلف با بیان بشر، به راستی که سفاقت و حماقت بسیار لازم است که شخصی ادعا کند توانائی و استطاعت ترجمه قرآن را دارا می‌باشد و قدرت دارد در ترجمه خویش خصیصه و ویژگی بیان قرآنی را در سطح امتیاز آن با بیان بشر بیاورد.

پس هنگامی که آوردن مانند قرآن در طاقت و ذدرت احدی نباشد، برای این ترجمه نیز معنی و مفهومی نخواهد بود.

این ترجمه، قرآن را در حد کلام بشر تنزل خواهد داد و همانند سایر سخن‌ها مشحون از اضطراب و تخلف و دوری از معنای اصلی، خواهد بود... و در اینصورت دیگر نه "آیه و نشانه" ای در آن یافت خواهد شد و نه برهان و حجتی بر احدی از عالمیان می‌باشد.

و نیز چنین ترجمه‌ای برهیچکس موحی را بر نمی‌انگیزد تا بدان ایمان آورد، هرچند که این عدم ایمان برخلاف علم و اعتقاد وی باشد^۳

مگر اینکه از قبل ایمان آورده باشد که قرآن کتابیست آسمانی و از جانب خداوندگار فرو فرستاده شده است و این درست برعکس مضامین آیه‌ی قرآنی می‌باشد که می‌گوید "بیان" قرآن دلیل قاطعی است بر اینکه آن از سنخ کلام بشر نیست، کتابیست نازل شده از آسمان و کلام "رب العالمین" می‌باشد، کلامی که تعبداً ما را به تلاوت و قرائت آن فرمان داده است... و بالاخره "بیان و کلامی" که رسول خدا (ص) پیرامون کتابت و قرائت آن چنین می‌فرماید:

"کسیکه قرآن را با مهارت بنویسد با بزرگان و ابرار از نویسندگان قرآن محشور

- ۱- انا نحن نزلنا الذکر... (سوره حجر/ آیه ۹) - یا ایها الذی نزل علیه الذکر... (سوره‌ی حجر/ آیه ۶) ... ان هو الا ذکر للعالمین. (سوره یوسف آیه ۱۰۴) مترجم
- ۲- ... انزل فیه القرآن هدی للناس... (سوره‌ی بقره‌ی آیه ۱۸۵) - بصائر للناس و هدی و رحمه... (سوره‌ی قصص/ آیه ۴۳) مترجم
- ۳- یعنی ترجمه قرآن سبب ایمان و اعتقاد او نگردیده است، هرچند که این علم و ایمان را از جای دیگر و براساس موجب و دلیلی دیگر، بدست آورده باشد... (مترجم)

خواهد گردید ، و کسی که قرآن را با لرزش و لکنت زبان میخواند و براو سخت و دشوار می باشد ، خداوند به وی دو پاداش خواهد داد " و نیز از پیامبر بزرگ روایت شده است :

" کسیکه حرفی از کتاب خدا را بخواند به او یک " حسنه " پاداش داده خواهد شد ، حسنه ای که ده برابر امثالش دارای ارزش می باشد . . . نمی گویم " الم " یک حرف می باشد لکن میگویم الف یک حرف ، و لام حرفی دیگر ، و میم حرف سوم است !!

و گذشته از اینهمه . . . آرمان و امیدمان این است که خداوند برای نقطه پایانی این " امت " فضیلتها ، برتریها و کرامتهائی را ذخیره کرده باشد که به فضل و عظمت نقطه نخستین این " امت " اضافه گردند . . . بوسیله این قرآن گوشهای کر و ناشنوا ، چشم های کور و نابینا ، و قلبهای بسته و قفل شده ای را باز گرداند . . . و مردم را با نورهدایت های قرآنی از گمراهی و ضلالت نجات بخشیده و ایشان را از پیروی توطئه های شیطانی به گام نهادن در " صراط مستقیم " رهنمون و بسیج فرماید که خود در کتاب عزیزش خطاب به پیامبر گرامی (ص) اینچنین فرموده است :

" وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَالِكُونَ " ۴ " و بی گمان تو ایشان را به راه راست میخوانی ، و بدون تردید آنها که به آخرت ایمان نمی آورند ، از راه (مستقیم) عدول کرده اند "

و نیز بدین آرزو که آرمانها و مسائل کشف نشده بدست افرادی از امت اسلامی آخرالزمان ، برآورده و مکشوف گردد ۵ اموری که خداوند آنها را از امت نخستین اسلام پنهان نگاه داشت . . . و چه بسا که همان فصل امتیازی را که ما در عمق وجدانهای خویش میان بیان خداوند سبحان و بیان بندگانش از جنس بشر می یابیم ، هنوز مخفی و پنهان باشد .

" قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ " بگو حجت بالغه از آن پروردگار است ، پس اگر میخواست تمامی شما را هدایت می نمود . . . "

و خداوند " مالک بن انس " را مورد رحمت و غفران بیکران خویش قرار دهد که می گفت :

" آخر این امت اصلاح نخواهد شد مگر به آنچه که اول آن اصلاح گردید "

۴- سوره ی مومنون / آیه ۷۳، ۷۴
 ۵- مانیز بسهم خود آرزو مندیم که با بهره وری صحیح و راستین از موقعیت انقلا ب اسلامی ایران ، آرمانهای امت اسلامی بدست فرزندان ملت ایران برآورده شود (مترجم)
 ۶- سوره انعام / آیه ۱۴۹

بنابراین زمانیکه نخستین جامعه‌ی متشکل اسلامی اصلاح نگردید مگر با قدرت
 " بیان " پس آخر و نقطه‌ی پایانی این امت نیز روی صلاح و سداد را بخود نخواهد دید
 مگر با همان عامل و نیروی و سپاس خداوندی بر برادرم " مالکین نبی " ارزانی باد کسها
 موقعیت را بر من ارزانی داشت و از من خواست تا مقدمه‌ای بر کتابش بنگارم . . . کتاب
 " الظاهرة القرآنیة - پدیده قرآنی " و بدینوسیله برای من زمینه و فرصتی را فراهم
 نمود تا فصلی از " اعجاز قرآن " را که از بررسی آن وحشت داشتم ، برگزیده و بآبی از
 " شعر جاهلی " را که همواره نسبت به کنکاش و پژوهش پیرامون آن به بیماری " تسویف و
 معاطله " و امروز و فردا کردن ، مبتلا بودم ، بازگو نمایم . . . و من بدرستی میدانم که در
 این زمینه کوتاهی و قصور نموده و به اختصار برگذار نموده ام ، هرچند که از بعد دیگر
 ممکن است اطاله سخن داده و خواننده را گرفتار ملامت و خستگی کرده باشم ، اما عذر
 موجه است ، چون اظهار رای و نظر در باره " اعجاز قرآن و شعر جاهلی " نظر به کدورت و
 ابهامی که در آنها وجود دارد ، فوق العاده دشوار می نماید و لذا همه سعی و کوشش و جهد
 خویش را در تحقیق و بررسی این دو زمینه مبذول داشته تا خاک و خاشاک پیرامون آن را
 زدوده و آن دورا از آسیب و خسارت خالص گردانم . . .

و از خداوند سبحان مسئلت دارم این پژوهش ناچیز را برای من وسیله‌ی تقرب
 به ذات مقدسش گرداند در روزی که :

" هر نفسی با خویشتن خویش به مجادله برخاسته و هر کس بدانچه عمل کرده
 پاداش تام داده شود و ایشان مورد ستم قرار نگیرند " ^۷

والحمد لله وحده ، ولا حول ولا قوة الا به ، ولا فضل الا من عنده "

۷- . . . كل نفس تجادل عن نفسها و توفى كل نفس ما عملت و هم لا يظلمون . سوره‌ی نحل
 آیه ۱۱۴

